

خیلواکی



استقلال

[www.esteqlaal.net](http://www.esteqlaal.net)

یکشنبه ۱۴ فبروری ۲۰۲۱

حامد نوید

## دوری میهن



این شعر را در سال ۲۰۰۵ بعد از بیست و هفت سال دوری از وطن به پاس احساس هموطنی سرودم که از من آزرده خاطر بود، چون در جهانی از غمها رهایش کرده بودم. در سال ۲۰۰۵ هنگامیکه پس از سالهای طولانی مهاجرت به کابل برگشتم، هنوز ویرانی های جنگهای دهه ۱۹۹۰ در سراسر کابل هویدا بود. سری به خانه پدری ما در چهارراهی شیرپور زدم که سخت ویران گشته بود. در میان این ویرانه، هنوز خدا بیامرزد تاج بی بی که از جغتوی غزنی بود با دو فرزندش زندگی میکرد، چون شوهرش در جنگ کشته شده بود و دیگر سرپناهی نداشت. او و خانواده اش را از سالهای قبل میشناختم. وقتی خود را برایش معرفی کردم، نخواست با من صحبتی داشته باشد و یا کمک مرا بپذیرد. درحالیکه بغض گلویش را میفشرد گفت وقتی که تو درین بیست سال از درد و رنج آشنایان و همسایه هایت بدور بودی اکنون با چه رویی بسویم می بینی و با من گپ میزنی؟ در بالای سنگی در کنار دیوار نشستم و سر به زیر افگندم؛ و همان بود که این بیت در مخیله ام نقش بست:

منی که دور بدم سالها ز رنج و طن

چگونه باز بینم به سوی هموطنم

[salamwatanam@gmail.com](mailto:salamwatanam@gmail.com)

## دوری میهن

زبسکه دوری میهن گداخت جان و تنم  
زبخت خود نبردم این گمان که در وطنم  
زدیدن وطنم طرفه حالتیست مرا  
که گه ز خویش روم، گاه غرق خویشتم  
من آن کبوتر گم کرده آشیان هستم  
که دور لانه خود عاشقانه پر بزنم  
نه نغمه ای نه نوایی ز گلشنم خیزد  
که سالهاست خموش است بلبل چمنم  
نشسته ام سرسنگی و باز می بینم  
دیار غرقه به خون آشیانه کهنم  
دریغ دیده یعقوب من نشد روشن  
اگر چه پنجه هجران درید پیرهنم  
منیکه دور بدم سالها ز رنج وطن  
چگونه باز ببینم به سوی هموطنم

حامد نوید ۱۸ مارچ ۲۰۰۵ کابل